

سیاست-سیاست



احمدغلامی

در وضعیت کنونی، سیاست به معنای کلی آن در ایران به حالت تعلیق درآمده است و سخن‌گفتن از سیاست داخلی ایران جایگاهی در کلام ندارد. اما اگر قرار باشد به هر دلیلی در این هنگامه جنگ به سیاست بازگشت، راهی نیست جز اینکه بین سیاست‌ورزی در گذشته و اکنون خط تیره‌ای گذاشت: «سیاست-سیاست». این خط تیره نقشی تعیین‌کننده دارد. چنان‌که ربکا کامپی و فرانک رودا در کتاب «The Dash» باور دارد خط تیره‌هایی که هگل در ابتدا و انتهای کتاب «دیدارشناسی روح» به کار برده است؛ استفاده آگاهانه از این نشانه است. کامی معتقد است خط تیره در کار هگل علامتی ساده نیست، بلکه جزئی از شیوه فلسفه‌ورزی او است. یکی از ویژگی‌های این خط تیره‌ها در فلسفه هگل مکث و تأمل است؛ همان چیزی که نیاز اساسی سیاست‌ورزی در ایران کنونی است. پیش از هر اقدامی و پیش از ارائه هر نظریه‌ای برای پرهیز از اشتباه یا ایجاد انحراف در مسیر سیاست خلاقانه باید مکث کرد و اندیشید. کاری که در این روزگار هم از سوی چهره‌های دولتی، نخبگان و مردم به‌ندرت صورت می‌گیرد. همه ما دچار شتابی غیرضروری شده‌ایم و درصدد برآمدیم تا در سریع‌ترین زمان از بحران‌ها و وضعیت پیش‌رو عبور کنیم. خط تیره‌ای که در فاصله سیاست گذشته و پیش‌رو گذاشته می‌شود، یعنی تفکر کن!

تهدید ترامپ، دیپلماسی و

تکلیف اپوزیسیون



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

مهم‌ترین ویژگی سخنرانی چهارشنبه‌شب ترامپ که بیشترین بازتاب داخلی و بین‌المللی را نیز یافت، تهدید او مبنی بر بازگرداندن «آنها» [ایرانیان] «به عصر حجر یعنی آنجا که به آن تعلق دارند»، بود. قبلا ترامپ یکی، دو بار دیگر نیز در پرحرفی‌های مکررش به این مقوله پرداخته بود. اما اهمیت این تهدید این‌بار این بود که در سخنرانی رسمی او و از روی نوشته تکرار شد. ویژگی دیگر این تهدید در این نوبت این بود که ساعتی بعد از آن، به یک پل مهم در دست ساخت در کرج حمله شد و بعد از آن ترامپ طی پیامی در فضای مجازی رسمی‌اش مسئولیت آن را پذیرفت. روز قبل از این سخنرانی نیز او با لحنی تهدیدآمیز از «دو، سه پل زینمایی که عکس‌های‌شان را دیده» سخن گفته بود. با توجه به این عوامل اکنون مشکل می‌توان تهدید او به برگرداندن ایران به عصر حجر را تنها تهدیدی توخالی دانست.

یکی از درس‌هایی که بشر از مرور تاریخ گذشته آموخته، این است که بهیران دیوانه و دارای اختلالات روان‌شناختی مانند استالین و هیتلر را نباید دست‌کم گرفت. ما در تاریخ خود چنگیز را داشته‌ایم و می‌دانیم که کشور ما از این ناحیه با چه ویرانی‌های تمدنی دامنه‌داری مواجه شد که آثار فاجعه‌بار آن هیچ‌گاه از دامن تاریخ ایران زدهوده نشده است. درباره مسیر پیش‌رو، اکنون بسا توجه به این جنگ هفت‌ه‌های، برای معدودی متوهم ایرانی مقیم خارج نیز باید روشن شده باشد که «تغییر رژیم» از طریق حملات هوایی غیرممکن است. اما اکنون مقامات سیاسی و نظامی و نیروهای سیاسی در داخل و خارج از کشور باید توجه داشته باشند که تهدیدهای ترامپ می‌تواند خطری جدی و واقعی برای امکانات زیرساختی سرزمینی این مرز و بوم باشد. همه وظیفه داریم که از هیچ اقدامی برای مصون نگه‌داشتن کشور و مردم از گزند عملیات تجاوزکارانه بیشتر آمریکا و اسرائیل فروگذار نکنیم.

بنابراین کسانی که در رأس جناحی از اپوزیسیون سلطنت‌طلب دچار توهمی کودکانه شدند و تجاوز به میهن را با تصور باطل تغییر رژیم تشویق کردند، اکنون دیگر بسا توجه به تهدید ایران به بازگشت به عصر حجر، هیچ بهانه‌ای برای ادامه حمایت از تجاوز ندارند. اگر کسانی از آنها همچنان ترامپ و نتانیاهو را برای حمله به ایران تشویق کنند و برای عملیات نظامی متجاوزان با هدف ویرانی دارایی‌های سرزمینی ایران دست بزنند و توجیحات مضحک بتراشند، باید بداندند نه‌تنها خان به میهن هستند، بلکه به اتهام همکاری با جنایتکاران جنگی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵
۱۵ شوال ۱۴۴۷
۴ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۵۱
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: آزادی ۲۰۱۰ نفر در کوبا هم‌زمان با تشدید فشار نفتی • پزشکیان در پیام به مردم آمریکا: انتخاب میان تقابل و تعامل، آینده نسل‌ها را رقم می‌زند

بررسی پیامدهای حمله به زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تولید و بهداشت

شلیک به میراث ایران

گزارش تیترا یک‌را درصفحه‌های ۴ و ۱۰خوانید



یادداشت

اثرات جنگ کنونی و بحران انرژی بر شمال و جنوب جهانی

شوک‌های انرژی دارند. چند عامل این آسیب‌پذیری را تشدید می‌کند: وابستگی بالا به واردات انرژی، ذخایر انرژی محدود، بدهی خارجی بالا و ظرفیت محدود دولت‌ها برای حمایت مالی از اقتصاد. در نتیجه، افزایش قیمت انرژی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای این کشورها داشته باشد، ازجمله: افزایش کسری تراز پرداخت‌ها، کاهش ارزش پول ملی، افزایش شدید تورم و افزایش فقر و نابرابری. در برخی موارد حتی ممکن است این شوک‌ها به بحران‌های بدهی با بی‌ثباتی اقتصادی منجر شوند.

اثرات غیرمستقیم بر اقتصاد جهانی

علاوه بر اثرات مستقیم افزایش قیمت انرژی، جنگ در مناطق راهبردی می‌تواند پیامدهای غیرمستقیم دیگری نیز داشته باشد: اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی نهاده‌ها و مواد غذایی، افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل دریایی، افزایش نااطمینانی در بازارهای مالی و کاهش سرمایه‌گذاری بین‌المللی. این عوامل در مجموع می‌توانند رشد اقتصاد جهانی را کاهش دهند و شکاف اقتصادی میان شمال و جنوب جهانی را تشدید کنند. جنگ در مناطق راهبردی انرژی، حتی اگر در ظاهر منطقه‌ای باشد، پیامدهایی جهانی به همراه دارد. شوک انرژی ناشی از چنین درگیری‌هایی می‌تواند اقتصاد جهانی را با موجی از تورم، افزایش هزینه‌های تولید و بی‌ثباتی مالی روبه‌رو کند. با این حال، اثرات این شوک در جهان به طور یکسان توزیع نمی‌شود. کشورهای شمال جهانی به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های مالی و نهادی قوی‌تر، توانایی بیشتری برای مدیریت بحران دارند. در مقابل، بسیاری از کشورهای جنوب جهانی به دلیل وابستگی بیشتر به واردات انرژی و محدودیت منابع مالی، بیشتر آسیب را متحمل می‌شوند. ازاین‌رو، جنگ در منطقه‌ای کلیدی مانند خلیج فارس نه‌تنها مسئله‌ای منطقه‌ای نیست، بلکه می‌تواند به عاملی برای تشدید نابرابری اقتصادی در سطح جهانی تبدیل شود.



محمدحسین عمادی

این مجموعه عوامل به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد جهانی هنوز از بحران‌های اخیر -ازجمله همه‌گیری کرونا و تنش‌های ژئوپلیتیکی- به طور کامل بازنایی نشده است، می‌تواند به کندشدن رشد اقتصادی جهانی منجر شود.

اثرات بر شمال جهانی

کشورهای شمال جهانی -که عموماً اقتصادهای پیشرفته و صنعتی هستند- از یک سو مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر توانایی بیشتری برای مدیریت بحران دارند. در صورت افزایش قیمت انرژی، این کشورها با چند چالش اصلی روبه‌رو می‌شوند: افزایش هزینه تولید در صنایع، افزایش نرخ تورم و فشار بر سیاست‌های پولی و مالی. با این حال، اقتصادهای پیشرفته معمولاً ابزارهای بیشتری برای مقابله با چنین بحران‌هایی دارند؛ ازجمله: ذخایر استراتژیک انرژی، دسترسی گسترده به بازارهای مالی و تنوع بیشتر در منابع واردات انرژی. به‌همین‌دلیل اگرچه شوک انرژی می‌تواند رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی را کاهش دهد، اما معمولاً به بحران‌های ساختاری عمیق در این کشورها منجر نمی‌شود.

اثرات بر جنوب جهانی

در مقابل، کشورهای جنوب جهانی -که شامل بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه و کم‌درآمد هستند- معمولاً آسیب‌پذیری بیشتری در برابر

یادداشت

استراتژی همان قدرت است

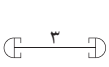


مهرداداحمدی‌شیخانی

مشخص، که از کار انداختن مارادونا بود، وارد بازی شدند و بازی را هم با همین استراتژی بردند. برای من، ماجرای جنگ آمریکایی- اسرائیلی امروز علیه ایران، بی‌شباهت به داستان آن بازی آرژانتین و کامرون نیست. هرچند هنوز زود است که بگوییم ایران پیروز این جنگ است ولی می‌توان به‌روشنی دید که به‌ویژه آمریکا، بدون داشتن هیچ‌گونه استراتژی و فقط با این تصور که چون قدرتمندترین نیروی نظامی تاریخ است؛ پس حتما برنده این جنگ است، به خاک ما تجاوز کرده و در مقابل، کشورمان با توجه به همه جوانب، از سال‌ها پیش، استراتژی لازم برای این جنگ را تدوین و بارها آن را بررسی کرده است و ازاین‌رو برای هر مرحله از این جنگ برنامه دارد. قصد نه خیال‌بافی است و نه تحلیل پراساس آرزو، ولی همین که برخلاف انتظار متجاوزان، جنگ حداکتر در ۲۲ ساعت تمام نشد و در عوض، این رویارویی، مطابق برنامه ایران، فرسایشی شده، یعنی دشمنان این خاک، هر روز که می‌گذرد، بیشتر در دامی که ایران گسترده، فرومی‌روند و این یعنی، حتی اگر قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور تاریخ هم که باشی، بدون داشتن استراتژی، نتوان هستی و در مقابل، این استراتژی است که قدرت می‌سازد، حتی اگر طرف مقابلت، مارادونا باشد.

در پیام نوروزی رهبری تأکید شد:

از حفظ وحدت ملی تا اعتقاد به روابط حسنه با کشورهای همسایه



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از معمای مذاکرات؛ وقتی جنگ ادامه دارد، دیپلماسی چگونه نفس می‌کشد؟

ترور مذاکره

از اخراج دادستان کل تا تصفیه ژنرال‌های ارتش

همه اخراجی‌های دولت ترامپ

گفت‌وگوی «شرق» با جمعی از نیروهای هلال احمر که از ابتدای جنگ تاکنون در خط مقدم حمله‌اند

روایت امدادگران از دل آوار جنگ

نگاهی به خردادهای حوزه فناوری و اقتصاد

دیجیتال کشور در ۱۴۰۴

سال تلخ برای اینترنت

مقایسه تطبیقی فناوری‌ها و تاکتیک‌های نظامی در جنگ ایران و عراق با جنگ‌های ایران و آمریکا-اسرائیل

از پل خرمشهر تا تنگه هرمز

نگاهی به واکنش سینماگران در روزهای برالتهاب جنگ

هنرمندانی که از وطن گفتند

۱۱

یادداشت

رئیس‌جمهوری

برخاسته از عصر پیشاحجر



محمدتقی فاضلمیبدی

بر خردمندان جهان پوشیده نیست که رئیس‌جمهور نابخرد فعلی آمریکا انسانی غیرعادی و خارج از نرّم‌های جهانی و در تقابل با فرهنگ دیپلماسی بین‌المللی است. کمتر رئیس‌جمهوری مانند رئیس‌جمهور فعلی آمریکا دچار تناقض‌گویی و پرت و پلاپویی بوده است. ترامپ در گفتار و کردارش، به‌ویژه در حمله به ایران، نسبت داد که لیبرال‌دموکراسی آمریکا ملعبه دست صهیونیست‌ها و سرمایه‌داران اسرائیلی است. رئیس‌جمهوری که با ترور سران یک کشور و حمله به مدرسه کودکان و تهدید به نابودی زیرساخت‌های کشوری می‌خواهد پیروزی خود را جشن بگیرد، تجسم انسان‌های پیش از عصر حجر است و بویی از انسانیت و مدنیت نبرده است. ترامپ نشان داد که در آمریکا هیچ روحی از

مدنیت، دموکراسی و انسان‌دوستی وجود ندارد. روزگاری که سرزمین آمریکا جای زیست انسان‌های قاعد فرهنگ و مدنیت بود، تمدن تاریخ‌مدار ایران زبانزد مورخان عالم بود. پیش از ترامپ حمله‌های چنگیزخانی و ترامپ‌گونه می‌خواستند ایران را به عصر حجر برگردانند و مانند ترامپ کشتارهای زیادی کردند، اما مهاجمان مغول و مغول‌صفتان در تمدن ایران مقفود و مضمحل شدند. به قول ویل دورانت با همه حمله‌ها و هجوم‌هایی که به ایران شده، این کشور بنیان تمدنی خود را حفظ کرده است. حال، رئیس‌جمهور نابخرد آمریکا می‌خواهد مانند اسکندر یا چنگیز یا تیمور لنگ یا محمود افغان ایران را به عصر حجر برگرداند! مضحک‌تر از سخنان رئیس‌جمهور آمریکا سخنان معدود ایرانیان ایران‌ستیزی است که برای چنین سخنان سخیفی کف می‌زنند و به حمایت از حمله به ایران با حرف‌های این رئیس‌جمهور

برخاسته‌اند و می‌خواهند پیروزی خود را بسا حمله و حمایت ترامپ و نتانیاهو جشن بگیرند.